دست آخر

ظهور و سقوط نظم نئولیبرال: آمریکا و جهان در عصر بازار آزاد

نئولیبرالیسم در وقت اضافه

شیما بهره‌مند

«نظم نئولیبرال درهم شکسته است. اما بقایای آن تا سال‌ها و بلکه دهه‌ها خواهند ماند». کری گرستل مورخ مطرح آمریکایی در کتاب «ظهور و سقوط نظم نئولیبرال» سعی دارد این گزاره را شرح و بسط دهد. گرستل معتقد است دهه دوم قرن بیست‌ویکم، بنیادهای سیاسی آمریکا دچار تغییر و تحولاتِ اساسی شدند؛ در این دوران تحولاتی رخ داد که غیرقابل تصور به نظر می‌رسید اما سیاست و آگاهی عمومی را تحت سلطه خود قرار داد: انتخاب ترامپ و آغاز ریاست‌جمهوری که شباهتی به ریاست‌جمهوری‌های دیگر نداشت، ظهور برنی سندرز و رستاخیز چپ سوسیالیست، تردید عمیق در مزرای باز و تجارت آزاد، برخاستن موج پوپولیسم و ناسیونالیسم متکی بر قومیت و محکوم‌کردن نخبگان جهانی‌سازی که زمانی ستایش می‌شدند، نزول ارج‌وقرب باراک اوباما، باور فزایندهٔ مردم به اینکه نظام سیاسی آمریکا دیگر درست کار نمی‌کند و سرانجام اینکه آمریکا با بحران دموکراسی مواجه است. گرستل معتقد است در این سلسله تحولات سیاسی می‌توان رگه‌های سقوط یا دست‌کم ترک‌برداشتن نظمی سیاسی را دید که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ شکل گرفت و در دهه ۱۹۹۰ و نخستین دهه قرن بیست‌ویکم خود را تحکیم کرد. گرستل این فرمایشون سیاسی را «نظم نئولیبرال» می‌خواند. و «نظم سیاسی» را، مجموعه‌ای از ایدئولوژی‌ها، سیاست‌ها و طرفداران تعریف می‌کند که سیاست آمریکا را شکل می‌دهند. در صورت‌بندی این مورخ، دو نظم سیاسی در صد سال اخیر در ایالات متحده حاکم بوده است: «نظم طرح نو» که در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ شکل گرفت و در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به اوج خود رسید و دست آخر در دهه ۱۹۷۰ سقوط کرد؛ و «نظم نئولیبرال» که بعد از این دوران یا گرفت و در دهه ۲۰۱۰ رو به افول گذاشت. از دید گرستل، دومین پیامد عمده این است: اینکه کمونیسم دیگر به‌عنوان یک تهدید وجود نداشته باشد یعنی چه؟ و آنچه ما در دهه ۱۹۹۰ شاهد آن بودیم این است که سرمایه در آمریکا با کسب دوباره قدرت، اطمینان، اقتدار و باور به توان یک جانبه‌ای را که در طول سال‌های جنگ سرد داشت، اکر کوییم قربانی کرد. دست‌کم کاهش داد. چیزی که اتحاد جماهیر شوروی وعده داده بود، یعنی چیزی که کمونیسم وعده داده بود، این بود که با برنامه‌ریزی عقلانی از سوی مجموعه‌ای از حاکمان روشنفکر با مدیریت اقتصاد کسه به طرق خارق‌العاده به نفع توده‌ها باشد، می‌تواند اقتصاد خصوصی [بازار آزاد] را منکوب کند. کل آن پروژه شکست می‌خورد و شکستی دیدنی می‌خورد. و این اتفاق، یعنی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در ایالات متحده در زمان رئیس‌جمهوری جمهوری‌خواه اتفاق افتاد؛ در زمان رونالد ریگان اتفاق افتاد، که به‌ویژه نسبت به اتحاد جماهیر شوروی به‌شدت سختگیر بود. از آنجا که رونالد ریگان اصرار داشت بین استبداد حکومت شوروی و آنچه او به‌عنوان استبداد دولت «نیو دیل» می‌نامید پیوندی وجود دارد، هر دو آنها در یک طیف قرار داشتند و تاکنون یک دیگر منتهی می‌شد. او و دیگر جمهوری‌خواهان، مانند جورج آچ دبلیو. بوش، یعنی حزب به طور کل، این امر را توجیه مفهومی برای ایفای چنین نقشی می‌کنند: اینکه سرمایه‌داری که تحت «نیو دیل» به‌شدت محدود شده بود، باید از محدودیت رها شود. اولا نظمی‌ناشی اجازه ایجاد گرفتن باید. سرمایه‌داران خطرپذیر تشویق شوند که به همه چیز بوند، سرمایه‌داری آسیب‌پذیر شود، مالیات کاهش یابد، بکارانه سرمایه‌داران و سرمایه، آمریکا و اقتصاد جهان را بدون محدودیت مقرارت اداره کنند. و اینها ایده‌های اصلی نئولیبرال‌ها بودند که دهه‌ها در حال تکوین بودهاند. و اکنون ناکهان به نظر می‌رسد این ایده‌ها توجیه شده‌اند. این لحظه پیروزی بازار آزاد بود. و مانع آن به‌طور بسیار قدرتمندی را بوند الطاف الکترونیک (IT) تلاقی کرد: انقلابی که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نیز مرتبط است. این موضع اتحاد جماهیر شوروی نسبت به رایانه شخصی بسیار خصمانه بود. زیرا در آن زمان به رایانه‌ها در واقع‌ی از آزادی شخصی نیاز داشت که اتحاد جماهیر شوروی مایل نبود چیزی را که انقلاب الکترونیک در دهه ۱۹۹۰ عرضه می‌داشت، مجاز بداند. و این یکی از دلایل اصلی است که دموکراتها را کنار گذاشت. چیزی که این امر نشان داد این بابور بود که مطلوب‌ترین بازار اکنون در دسترس بیاز است: اینکه شاید در گذشته نیاز به دولت قوی وجود می‌داشت، زیرا شاخت درباره بازارها ناقص بود. محدود بود. زمان می‌برد تا اطلاعات در مورد بازارها از جایی به جایی برسد. بسیاری از این نیاز نشاید بوفی. اطلاعات کافی هم فورا در دسترس بود. بازی، در دهه ۱۹۹۰ بازیکن این رؤیا تحقق می‌یابد، این چیز نشاندار از کل دنیای اقتصادی در جهان بلافاصله و با درجه‌ای از عمق و عیقی و آنها را وقوام گیرد بود. و این اتفاق بسیار مهم است. زیرا سرانجام آن کار را انجام داد. و در دهه ۱۹۹۰ بازیکن این رؤیا تحقق می‌یابد. این چیز نشاندار از کل دنیای اقتصادی در جهان بلافاصله و با درجه‌ای از عمق و عیقی و آنها را وقوام گیرد. کمونیسم دیگر به‌عنوان یک تهدید وجود نداشت. بنابراین، برای همین هم آن را کنار گذاشتند. و نیز کنار گذاشتند. و نیز کنار گذاشتند. و نیز